تقیید فتوا و عبارت منهاج به اشتراک در شب

حال عبارت ایشان را می‌خوانم. ایشان در «اسألة» وقتی می‌خواهند جواب استادشان را بدهند، می‌فرمایند:

> **و بالجملة ما ذکر من الفرق بین حالات القمر و بین اللیل و النهار و ان کان ثابتا فی الصلة، و لکنه لایقتضی بوجه البناء علی انه بخروج القمر عن تحت‌الشعاع یبتدی الشهر القمری الجدید لاهل الارض جمیعا فی تمام الاصقاع و البقاع-کما ادعاه قدس‌سره فی البیان المتقدم- الا اذا ثبت ان العرف الممضی من قبل الشرع المقدس قد اتخذ بدایة الشهر القمری ما ذکر ولکن هذا غیر صحیح قطعاً،[1]**

«و بالجملة ما ذکر من الفرق بین حالات القمر و بین اللیل و النهار و ان کان ثابتا فی الصلة»؛ برای اینکه خلأها را شناسایی کنیم و در آنها تحقیق کنیم، باید از مشترکات فاصله نگیریم. یعنی یک چیزی که همه باحثین قبول دارند. این جمله ایشان مغتنم است. **«و ان کان ثابتا فی الصلة»؛** یعنی ما هم با استادمان در یک چیز شریک هستیم. این است که خروج از تحت‌الشعاع قمر، ظاهرة سماویه است. اما اینکه ایشان می‌گویند، حال که ظاهره سماوی است پس آفاق در آن دخالتی ندارد را قبول نداریم. ملازمه ای ندارند. شما مجبور بودی آفاق را دخالت بدهی لذا گفتی شب مشترک. ما می‌گوییم چرا شب مشترک؟! از همین جایی که دیدن شروع شود و برای بقیه فردا باشد. آلآن که در قم دیدن چون کابل بلد شرقی ما است ندیدند، برای کابل فردایش می‌شود. یعنی فردا ماه مبارک ما می‌شود و برای آنها فردا ماه شعبان است. هیچ مشکلی هم ندارد. این فرمایش ایشان است.

شاگرد۲: شب مشترک، برای شب قدر و شب عید فطر هم صدق می‌کند. درجایی‌که چند ساعت دیگر شب است با اینجا نقطه اشتراک در شب دارد. لذا ما یک شب قدر بیشتر نداریم. در اصفهان و قم آلآن شب قدر است، لذا چون هر کشوری در شب با کشور دیگر اشتراک دارد، پس در همه جا شب قدر است.

استاد: این تقریر شما روی غیر مبنای ایشان است. این درست است. ما می‌گوییم یک شب بیست و چهار ساعته پویش کننده زمین. ولی این مبنای ایشان نیست. ایشان تصریح می‌کند.

شاگرد: لذا یک شب عید فطر حساب می‌شود.

استاد: استادشان مرحوم آقای خوئی در جواب مراسله اول، عین همین را می‌گویند. می‌گویند یک شب بیست و چهار ساعته است. اما ایشان قبول ندارند. آن چه که شما می‌گویید شخصی است. بحث‌ها مفصل است اما ایشان قبول ندارند. ایشان می‌گویند استاد ما هم ناچار است...؛ ایشان ناچارشان می‌کنند. در فدکیه صفحه ممتعی هم هست. منهاج الصالحینی که در 1392 چاپ شده، کلمه «مطلقاً» را دارد. اما این منهاجی که الآن در دست من است، چاپ سال 1410 است، می‌فرمایند:

> **إذا رؤي الهلال في بلد كفى في الثبوت في غيره مع اشتراكهما في الأفق،بحيث إذا رؤي في أحدهما رؤي في الآخر،بل الظاهر كفاية الرؤية في بلد ما في الثبوت لغيره من البلاد المشتركة معه في الليل و إن كان أول الليل في أحدهما آخره في الآخر[2]**

«إذا رؤي الهلال في بلد كفى في الثبوت في غيره مع اشتراكهما في الأفق، بحيث إذا رؤي في أحدهما رؤي في الآخر»؛ اینکه حرف مشهور است.

«بل الظاهر»؛ که اختصاصی آقای خوئی است. **«كفاية الرؤية في بلد ما في الثبوت لغيره من البلاد»؛** در منهاجی که در سال ۹۲ چاپ شده به این صورت بوده «من البلاد مطلقاً». لذا در متن صاحب مراسلات –مرحوم آقای تهرانی- «مطلقاً» هست. می‌گویند «اذکره بعین الفاظه». در منهاج مرحوم آقای قمی هم «مطلقاً» هست. در منهاج مرحوم آقای آسید محمد سعید هست: بلادی که در قاره اروپا و آفریقا هستند. یعنی ربع مسکونی در قدیم شناسایی می شده. اما بلادی که در آمریکا هستند حتی اگر در شب هم مشترک باشند فایده‌ای ندارد. مثلاً نیویورک با اینجا هشت ساعت اختلاف دارند. لذا می‌توانند در شب شریک باشند اما چون در قاره آمریکا هستند فایده‌ای ندارد. این را آقای آسید محمد سعید فرموده‌اند. در این صفحه، منهاج ها را آورده‌ایم. عنوان صفحه این است: «تاثیر مراسلات در تقیید فتوای سابق آیة الله خوئی به اشتراک در شب و تغییر عبارت منهاج الصالحین در چاپ متأخر».

شاگرد: در اشتراک در شب دیگری تفصیلی نداده‌اند که چه قسمت از شب مراد است. مثلاً با اول ما شریک باشند، یا با وسط یا با آخر.

استاد: بله، بحث امروز من همین ها است. اینکه می‌خواهم مقدماتش را زودتر بگویم به این خاطر است که جایی را که باید تصورات درست داشته باشیم را عرض کنم و بعد بگویم ناچاریم یا نه. چه بسا اگر برخی از امور را بیشتر باز کنیم ببینیم ناچار هستیم یا نه؟ این در این فضا خیلی مهم است.

علی ای حال ایشان بعداً این را تغییر داده‌اند. آن صفحه را نگاه کنید. عده‌ای فرموده بودند که این پیشنهاد را من دادم. یکی از شاگردان ایشان می‌گویند. یکی دیگر می‌گوید نه، نوار استاد ما هست. شاگردان از استاد دفاع می‌کنند. می‌گویند نوار استاد ما هست. مراسلات سال دو و شش بوده اما نوار سال دو و چهار هست که می‌گویند باید در شب شریک باشند. خُب منافاتی ندارد. آن شاگردی پیشنهاد داده دروغ نمی‌گوید. استاد عین سابقه پیشنهاد او را پذیرفته است. نه عین ارتجال. گاهی پیشنهادی می‌دهند و استاد می‌گوید عجب پیشنهاد خوبی است! پس اشتراک در شب را اضافه کنید. اما گاهی است که قبلاً خودش فکرش را کرده بود. به این اشکال برخورد کرده بود و روی آن فکر کرده بود، حال هم که این شاگرد پیشنهاد می‌دهد می‌گوید حال دیگر اضافه کنید. دستور می‌دهد که منهاج را تغییر بدهند. و الا در اینکه قبلاً «مطلقاً» بوده مشکلی نیست. مخصوصا اینکه –آن صفحه را نگاه کنید قرمز کرده‌ام- یک جا و دو جای منهاج را عوض کرده‌اند. و حال آنکه در

پنج-شش مورد دیگر، آن «مطلقاً» بازتاب داشته ولی آن‌ها را عوض نکرده‌اند و همین‌طور مانده است. خُب معلوم می‌شود که این اشتراک در شب بعد آمده. اول نظر این‌ها مطلق بوده و بعد با مشکل برخورد کردند.

---

[1] اسألة حول رویة الهلال و اجوبتها، ص۸

[2] منهاج الصالحین نویسنده : الخوئي، السيد أبوالقاسم جلد : ۱ صفحه : ۲۷۸

بازبینی #1
ایجاد شده 4 مه 2026 12:41:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 مه 2026 12:43:56 توسط ... .